

آچارکشی

من بمیرم جرمه نکن



پوریا عالمی

• کشورهای غربی هیچی ندارند اما یک چیز دارند که خیلی مهم است؛ و آن رعایت قانون است. رفیق ایرانی ما می‌گفت توی آلمان که به رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی شه‌ره است، یک‌بار بنا بر رسم‌ورسوم ما ایرانی‌ها داشته توی اتوبان عقب‌عقب می‌آمده که یک‌هوپک آلمانی از همه‌جایی خبر شاتاراق از پشت می‌زند بهش. تا اینجا هیچی. زنگ می‌زنند پلیس، پلیس هم بعد از شش‌دهم تائیه می‌رسد. عین‌هو ایران. رفیق ایرانی ما هم توی ماشین نشسته بوده تا پلیس بیاید سروقتش. عین‌هو ما. که پلیس از توی بلندگو می‌گوید برباید بزند کنار. همه پرایدها برای اینکه جرمه نشوند یا ماشینشان نرود پارکینگ یک‌هو می‌زنند کنار و راننده‌ها از ماشین پیاده می‌شوند و می‌دوند سمت ماشین پلیس که من بمیرم جرمه نکن. خلاصه پلیسه آمده بوده و این رفیق ما نشسته بوده توی ماشین و برت‌برت می‌لرزیده که توی غربت الان چه بلایی سرم می‌آید. پلیس می‌آید و تق‌تق می‌زند به شیشه و رفیق ما شیشه را می‌کشد پایین و تا می‌خواهد بگوید که من بمیرم جرمه نکن... عجله داشتم... اتوبان‌رو رد کردم، مجبور شدم دنده‌عقب بگیرم... اما قبل از اینکه این حرف‌ها به زبانش بیاید، پلیسه می‌گوید خیلی معذرت می‌خوام قربان... رفیق ما دو تا شاخ درمی‌آورد. باورش نمی‌شود معذرت را باید رفیق ما می‌خواست که پلیسه را به اشتباه انداخته و وقت بالارزشش را گرفته. خب رفیق ما با رسم‌ورسوم کشورهای دیگر آشنا نیست. خلاصه پلیسه معذرت می‌خواهد و می‌گوید: جناب ببخشید... این راننده پشت‌سری که زده به شما... رفیق ما می‌گوید اون نزده به من ها... پلیسه می‌گوید: اوده... واقعا شما شوکه شدید... بله... حق هم دارید... این راننده پشت‌سری که زده به شما خیلی در نوشیدن زباده‌روی کرده و این‌قدر با‌تبل است که می‌گوید شما داشتید توی اتوبان دنده‌عقب می‌آمدید... واقعا نوشیدنی عقل آدم را زایل می‌کند. شما هم مصرف نکنید... من واقعا معذرت می‌خواهم. آقا این رفیق ما چشم‌هاش می‌شود چهارتا. پلیسه اصلا باورش نمی‌شده یکی قانون را بشکند و توی اتوبان دنده‌عقب بگیرد، یکی هم گفته بوده این آقا داشته دنده‌عقب می‌آمده، مینا را گذاشته روی اینکه طرف دارد شلوغش می‌کند و پاپوش درست می‌کند.

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۶ آبان ۱۳۹۴ • ۲۴ محرم ۱۴۳۷ • ۷ نوامبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۴۱ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۳ • اذان صبح فردا ۵:۰۷ • طلوع آفتاب ۶:۳۳

روزنامه‌رو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



پشت جلد

باید متین بود!



کریم ارغنده‌پور

متقابلا هرگاه عقلانیت غلبه باید، آهنگ کارها اگرچه ممکن است آرام‌تر و کم‌هیجان‌تر به نظر برسد ولی استحکام گام‌ها بیشتر و مطمئن‌تر و در نتیجه بلندمدت‌تر است. حال پرسش اصلی این است که در برابر تدروی چه باید کرد؟ بدترین راه ممکن، مقابله با تدروی با شیوه‌های تدروانه است. این نکته معمولاً کمتر از سوی زخم‌خوردگان مورد پذیرش است ولی در واقعیت گریزی جز این نیست. روش رویارویی با سرعت، سرعت بیشتر نیست، روش رویارویی با بی‌منطقی و پرخاش، پرخاش شدیدتر نیست، روش مقابله با پنجه‌کشیدن بر ساحت اندیشه، پنجه محکم‌تر نیست. باید خوشتن‌دار

بود و ضمن استمرار حرکت و بازایستادن، بر راه درست و منطقی تأکید کرد. برخی از آنان که کم‌حصوله‌ترند و از آینده فقط جلوی پایشان را می‌بینند، از این روش ابراز نارضایتی می‌کنند غافل از اینکه نتیجه چیزی که می‌خواهند با هدفی که در ذهن دارند، هم‌خوان نیست. در غلتیدن در هیجان و افروندن بر سرعت حرکت بدون تدارک‌دیدن زمینه‌های پایداری و استحکام لازم، جز یک نسیم خوشایند ولی موقتی نیست. مثل سرایی است که در لحظه تشنگی، مسافری را خشنود می‌کند ولی نتیجه‌ای در بر ندارد. برای مقابله با افراط نباید در دام آن درغلتید؛ باید متین بود.

همین حوالی

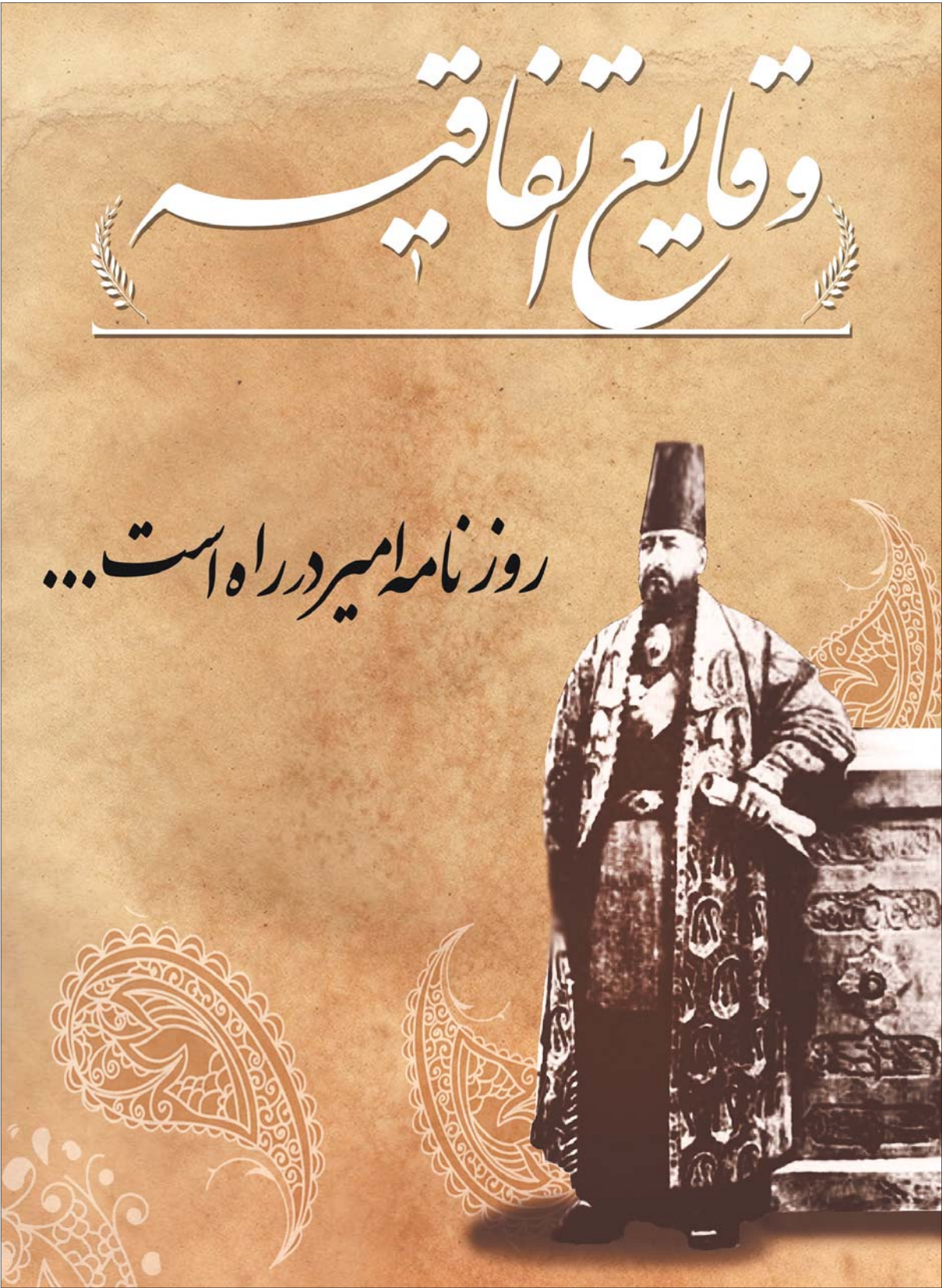
وقتی برای سفارت دارو فرستاده می‌شود

دکتر محمدرضا شالبافان*

درمان اختلالات روان‌پزشکی، به‌ویژه در کشورهایی درحال‌توسعه، «انگ» است. انگ یعنی افرادی که دچار این اختلال هستند توسط سایر افراد جامعه مورد تحقیر قرار می‌گیرند و گویا به‌عنوان شهروندان درجه‌دو به این افراد نگاه می‌شود. همین مسئله سبب می‌شود که افراد حاضر باشند رنج و عذاب بیماری روانی را تحمل کنند اما در برابر مراجعه به روان‌پزشک به‌خاطر ترس از انگ مقاومت کنند. این‌درحالی است که روان انسان نیز مانند تمام سیستم‌های بدن ما گاهی دچار مشکل می‌شود و باید درمان شود. چگونه است که وقتی انسان دچار فشار خون است با خیال راحت به سراغ پزشک قلب خود می‌رود اما بیمار مظلوم روانی باید نگران قضاوت دیگران باشد؛ دیگرانی که شاید خودشان هم دچار اختلالاتی نظیر او باشند اما به هر دلیلی تن و ذهن به درمان ندادند. آنچه در این‌میان ناراحت‌کننده است انجام این اقدام توسط جمعی از پزشکان است؛ کسانی که باید بیش از دیگران حافظ سلامت مردم باشند و دلسوز حفظ جسم و روان ایشان. اما این رفتار باز هم این نکته تلخ را تداعی می‌کند و دامن می‌زند که هنوز در فرهنگ ما «روانی» یک ناسزای تلخ است. در ضمن بهتر بود که همکاران ما قبل از چنین اقداماتی که می‌تواند

منجر به خدشه‌دارکردن چهره جامعه پزشکی شود، با یک روان‌پزشک مشورت کنند. بیماری «اسکیزوفرنیای حاد» که توسط این همکار به‌عنوان بیماری «عادل الجبیر» معرفی شده، یکی از پیچیده‌ترین بیماری‌های تاریخ بشری است که گاهی پس از ساعت‌ها مصاحبه، معاینه و بررسی توسط متخصصان روان‌پزشکی ممکن است تشخیص داده شود و قطعاً بدون بررسی چهره‌به‌چهره فرد نمی‌توان و نباید از آن نام برد و این رفتار توهین واضحی است به مبتلایان مظلوم اسکیزوفرنیا که بسیاری از آنها تنها با خوردن یک نوع قرص در جامعه زندگی می‌کنند و تنها یک درصد افراد هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند. هرروز از مردم می‌شنویم: «شما روان‌پزشکان روی همه تشخیص بیماری می‌گذارید». متأسفانه این باور اشتباه از رفتارهای اشتباه تعدادی از همکارانی می‌آید که عمدتاً هیچ‌کدام روان‌پزشک نیستند. اما براساس علم روان‌پزشکی این رفتارها تنها سوءاستفاده از اطلاعات سطحی روان‌پزشکی توسط تعدادی پزشک است؛ رفتارهایی که مطمئن هستیم آسیبی جدی به سلامت همین مردم ایران عزیز وارد می‌کند.

♦ متخصص اعصاب و روان و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران



سامسونگ
SAMSUNG



SAMSUNG
Galaxy Note5
NEXT IS NOW

مرکز تماس موبایل
۰۲۱۱۳۳۳۳۳۳